خطبه‌ها
خطبه‌های نماز جمعه مشهد مقدس
آیت الله سیداحمد علم‌الهدی
شمارهٔ ۲۲۷
۱۵ آبان ۱۴۰۵

سگ زرد برادر شغال است
بیشترین تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرد؟

باراک اوباما
(۲۰۰۹-۲۰۱۷)
۱۴۴ دستور اجرایی

دونالد ترامپ
(۲۰۱۷-۲۰۲۱)
۸۸ دستور اجرایی

جو بایدن
(۲۰۲۱-۲۰۲۱)
۷۵ دستور اجرایی



بسم الله الرحمن الرحیم

نمازجمعهٔ مشهد مقدس

خطبهٔ اول:



همهٔ شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

در مسیر عبودیت و عشق به ذات مقدس حق، موانعی وجود دارد. خوشبختانه فضای زندگانی امروز، نسل جوان را به طرف معنویت سوق داده است. جوانان در درصدد این هستند که بر معنویت خودشان بیفزایند. تنها نقطهٔ تحقق قطعی معنویت در زندگی، اتصال به حق، رابطه با خدا و عشق و دلدادگی و وابستگی به ذات مقدس پروردگار است. از غیر مسیر حق و مسیر خدا، معنویت برای کسی حاصل نمی‌شود.

البته در این مسیر موانعی وجود دارد که نمی‌گذارد آن‌چنان که باید و شاید، انسان در مقام وصل حق جلو برود. در رأس همهٔ موانع عبودیت و دلدادگی به ذات مقدس پروردگار، شیطان است.

شیطان بزرگ‌ترین مانع در راه عبودیت و بندگی

در مورد شیطان‌شناسی، در خطبه اول نماز جمعه به مدت چند هفته، مطالب مبسوطی را عرض کردیم. شیطان بزرگ‌ترین مانع در راه عبودیت و بندگی ذات مقدس پروردگار است. در شگرد نابکارانه و دشمنانهٔ شیطان نسبت به بندگی خداوند برای بشر، ذات مقدس پروردگار در قرآن شش آیه را بیان می‌کند.

آیهٔ اول: در آیهٔ هفدهم سوره مبارکه اعراف خداوند اعلام می‌کند شیطان در مقام حمله به شما از چهار طرف است:

«ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ».

از چهار طرف شیطان حمله می‌کند: از مقابل، پشت، راست و چپ که هر یک معنای خاص خودش را دارد.

حملهٔ شیطان از پیش‌رو به انسان، جلوه‌گری است. در مقابل انسان، آنچه که مورد غضب خدا است و آنچه که خدا

نمی‌خواهد، آن را جلوه می‌دهد، آن را آرایش می‌دهد، انسان را جلب زیبایی، لذت، شیرینیِ شهوت، خوش‌گذرانی‌ها و عیاشی‌های نامشروع، پول‌ها و ثروت‌های فاسد می‌کند و انسان را به آن طرف می‌کشاند.

هر کدام این‌ها که در کنارش صدها نکبت و ذلت وجود دارد، آن را برای انسان به‌عنوان یک نماد خوش‌گذرانی، شیرینی و حلاوت جلوه می‌دهد. این آمدن شیطان از طرف پیش‌رو به طرف انسان است.

«وَ مِنْ خَلْفِهِمْ» از پشت سر می‌آید، انسان را به طرف گناه و معصیت و نافرمانی و نارضایتی خدا هُل می‌دهد. از طرف دست راست و دست چپ می‌آید، شیطان راه‌های فرار را بر انسان می‌بندد، نمی‌گذارد از شرش فرار کند و خودش را نجات بدهد. این حرکت اولیهٔ شیطان.

آیهٔ دومی که ذات مقدس پروردگار درباره مانعیت شیطان در خط بندگی و عشق خدا می‌کند، کمین کردن شیطان است. در همین سورهٔ مبارکهٔ اعراف، آیهٔ شانزدهم، ذات مقدس پروردگار می‌فرماید: شیطان به خدا اعلام کرد: «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ».

من برای فرزندان آدم و انسان‌ها، در آن راه راست و جاده و بزرگراهی که خدا برای پیشرفت و تعالی آنها قرار داده کمین می‌گیرم. آدم‌هایی که می‌خواهند وارد این راه بشوند و از این راه، در مسیر عبودیت و بندگی خدا، پیش بروند و تعالی و ترقی در خط عبودیت و عشق پروردگار پیدا کنند، «لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ». من اینجا کمین می‌گیرم، نمی‌گذارم وارد بشوند، جلویشان را می‌گیرم، ده‌ها سنگلاخ و مانع سر راهشان می‌تراشم و نمی‌گذارم این‌ها وارد بشوند. من در کمین آن‌ها هستم که چه‌طور می‌خواهند به بزرگراه عبودیت و بندگی تو وارد بشوند.

در آیهٔ سوم خداوند متعال می‌فرماید: کار شیطان این است که از همهٔ امکاناتش در تهاجم به انسان استفاده می‌کند. شیطان در همهٔ این‌ها، با همه امکاناتش، بر انسان‌ها مسلط می‌شود تا به جایی که این‌ها یاد خدا را از بین می‌برند.

در سوره مبارکه مجادله می‌فرماید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ»[1]

شیطان بر این‌ها حیاذت می‌کند. استحواذ و حوذ به این معناست: وقتی یک ساربان، شتری را می‌خواهد در یک مسیری ببرد و شتر از آن راهی که ساربان می‌خواهد نمی‌رود و مسیرش را عوض می‌کند، هرچه می‌خواهد مهار شتر را بکشد و ناقه را به آن طرف سیر بدهد، شتر در آن طرفی که ساربان می‌خواهد، نمی‌رود. لذا پشت سر شتر می‌ایستد، دو تا دستش را می‌گذارد روی دو ران شتر. به هر طرفی که می‌خواهد شتر برود، از عقب با دست خودش به ران شتر فشار می‌آورد؛ شتر به همان طرفی می‌رود که ساربان می‌خواهد. این را استحواذ می‌گویند.

شیطان با انسان یک همچنین کاری می‌کند. وقتی می‌آید جلو، به شما می‌گوید: «برو گناه کن؛ توی دهنش می‌زنید. بندهٔ خدایم، گناه نمی‌کنم.»

وقتی تو را می‌خواهد به معصیت وادارد، می‌گویی: «خدا را می‌شناسم، معصیت انجام نمی‌دهم.» از هر طرف می‌آید،

نمی‌شود. بعد می‌آید پشت سر؛ آن کاری که ساربان با شتر می‌کند، شیطان با انسان می‌کند. از عقب، یک جوری آدم را هُل می‌دهد به طرف جلو که هر راهی شیطان می‌خواهد، آدم از همان راه برود. قرآن می‌گوید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ». شیطان با آدم‌ها این کار را می‌کند.

شیطان عامل فراموشی یاد خدا

«فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ». خوب، نتیجه این کارش چیست؟ اینکه انسان‌ها یاد خدا را فراموش می‌کنند! یک کاری می‌کند این‌ها به یاد خدا نیفتند. آن‌قدر فکر توی مغز آن‌ها می‌آورد، آن‌قدر صحنه در مغز آن‌ها ایجاد می‌کند، آن‌قدر فضاهای رنگارنگ زندگی شیطانی را در مغزشان به وجود می‌آورد که این دیگر اصلاً به یاد خدا نیفتد، از خدا یادی نکند که بخواهد اطاعت خدا را بکند.

«فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ» خدا می‌گوید: آدم‌ها وقتی که به یک همچنین جایی برسند، که



این‌طور به چنگ شیطان گرفتار بشوند، که آن‌ها را در یک مسیری استحواذ کند، وادارشان کند تا به جایی که یاد خدا را فراموش کنند، این‌ها می‌شوند حزب شیطان؛ دار و دسته شیطان، در استخدام شیطانند، هرچی شیطان گفت، انجام می‌دهند.

نه‌تنها در اعمال و کردار خودشان، نسبت به همهٔ جنایت‌گری‌هایی که در نوع بشر این‌ها باید به وجود بیاورند که اهداف و مطامع شیطان در زندگانی انسان‌ها تأمین بشود، به یک همچنین حالتی می‌افتند.

«أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ» این‌ها دار و دسته شیطان خواهند شد.

آیهٔ چهارم: این است که شیطان جوری می‌شود که با انسان همراه دائمی می‌شود؛ رفاقت یک جوری است که از آدم جدا نمی‌شود. ما در یک آیه شریفه داریم که در روز قیامت، یک عده را می‌آورند در درگاه عدل پروردگار؛ دوزخی‌اند، حکم جهنم برای این‌ها ثابت می‌شود. این‌ها دو تا آرزو آن روز می‌کنند: آرزوی اولشان این است که: «يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا»[۲] ای کاش من در جادهٔ پیغمبر بودم، در راه رسول‌الله می‌رفتم تا سعادتمند می‌شدم.

یک آرزوی منفی هم می‌کنند و می‌گویند: «يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»[۳] ای کاش فلان‌کس را دوست نمی‌گرفتم، با فلانی رفیق نمی‌شدم.

برادران و خواهران جوان، نقطهٔ خطرناک زندگی شما این است: گاهی از اوقات، در یک جلسهٔ کوچک، در یک نشستن‌تان در میان مترو کنار یک نفر، با یک آقایی احوالپرسی کردن، در یک مسیر

اجتماعی دست به دست یکی دیگر دادن، مسیر را چنان عوض می‌کند؛ آنچه که تو می‌خواهی، نمی‌شود اصلاً، هرچه شیطان می‌خواهد، همان می‌شود.

یک مرتبه چشمت را باز می‌کنی، بعد دو سه سال در یک منجلابی اُفتادی که هرچه می‌خواهی خودت را نجات بدهی، نمی‌توانی. این از رفاقت با او درست شد؛ با او رفیق شدی، همان یک ساعت، همان یک سلام کردن، همان یک دست دادن، همان نشستن روی صندلی مترو، همان باعث شد که یک عمر در منجلاب گناه قرار گرفتی و هرچه هم می‌خواهی خودت را نجات بدهی، نمی‌توانی نجات بدهی؛ محاصره شدی.

این ابزار شیطان است. حزب شیطان به این می‌گویند که این‌طور آدم‌ها را به چنگ می‌اندازد و شیطان می‌شود همراه؛ دیگر جدایی نیست و آدم نمی‌تواند از او نجات پیدا کند، نمی‌تواند از او جدا شود.

در سوره مبارکه زخرف، خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»[۴] چه می‌شود که انسان این‌جور می‌شود که شیطان با او رفیق می‌شود و از او جدا نمی‌شود و نمی‌گذارد فاصله بگیرد؟

«عَشَی» سیاهی و تاریکی چشم را می‌گویند. چشم آدم گاهی اوقات سیاهی و تاریکی می‌کند؛ یک سیاهی داخل چشم انسان می‌آید، آدم جلویش را نمی‌بیند، پایش می‌خورد به سنگ، چنان به زمین می‌خورد که ممکن است دچار ضربه مغزی بشود، جان به جان بدهد با یک زمین خوردن. چشمش سیاهی و تاریکی می‌کند.

در زندگی هم، برادران و خواهران! آدم چشمش سیاهی و تاریکی می‌کند، نکبت نمی‌بیند، ذلت و بدبختی را نمی‌بیند و در آنجا آدم وقتی به این حالت رسید، ذلت را ندید، خدا را ندید، عنایت خدا را ندید، قدرت خدا را ندید، آدم چنان سکندری می‌خورد که می‌اُفتد توی دامن شیطان، دیگر آخر عمر از دامن شیطان نمی‌تواند برود پایین. «وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ»

خوب، نتیجه این کارش چیست؟ اینکه انسان‌ها یاد خدا را فراموش می‌کنند! یک کاری می‌کند این‌ها به یاد خدا نیفتند. آن‌قدر فکر توی مغز آن‌ها می‌آورد، آن‌قدر صحنه در مغز آن‌ها ایجاد می‌کند، آن‌قدر فضاهای رنگارنگ زندگی شیطانی را در مغزشان به وجود می‌آورد که این دیگر اصلاً به یاد خدا نیفتد، از خدا یادی نکند که بخواهد اطاعت خدا را بکند.

شیطان می‌شود قرین و همراه او. «نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا» قیض به چی می‌گویند؟ توی تخم‌مرغ زرده است، سفیده است، محتویات غذایی است، اما یک پوستهٔ سفتی دور آن وجود دارد. همه‌اش داخل این پوسته سفت است که به آن قیض می‌گویند. وقتی بنا شد انسان چشمش سیاهی و تاریکی کرد، عین تخم‌مرغی که آن پوستهٔ سفت می‌آید روی تخم‌مرغ را می‌پوشاند، همین‌طور روی وجود انسان و زندگی انسان را شیطان با همان سفتی می‌پوشاند و دیگر آدم نمی‌تواند از دست شیطان خلاص بشود، چون چشمش سیاهی و تاریکی کرده.

حواسمان جمع باشد در زندگی، چشم‌هایمان را باز کنیم، چشم‌هایمان

در دیدن خدا، سیاهی و تاریکی نکند. هرچه را دیدیم، اشتباه کردیم، مهم نیست؛ در خدابینی دچار اشتباه نشویم. خدا را ببینیم. توی هر اوجی از قدرت قرار می‌گیریم، خدا را ببینیم. در هر گرفتاری و پریشانی و ورطه‌ای از ضعف و هلاکت قرار می‌گیریم، خدا را ببینیم. او که می‌تواند گریبان من را بگیرد، از این ورطه و چاله بکشد بالا، از همه چیز نجاتم بدهد، باز هم خداست. چشمم سیاهی و تاریکی نکند؛ خدا را ببیند.

و آیهٔ پنجم: حملهٔ شیطان به انسان با همه امکاناتش است. شیطان وقتی می‌خواهد به سراغ کسی برود، ملاحظه نمی‌کند. حالا از این‌طرف برویم، شد شد، نشد نشد؛ در کار شیطان «شد شد، نشد نشد» نیست. هر جور هست، باید بشود. آن‌قدر می‌ایستد و اصرار می‌ورزد تا آنچه را که می‌خواهد، انجام بگیرد.

خداوند متعال در مورد حمله شیطان در



سوره مبارکه اسراء، آیه ۶۴ می‌فرماید: «وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» و به شیطان می‌گویند: شیطان، داد بزن! «وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ» و با آواز خودت آدم‌ها را تحریک کن، آن‌ها را به طرف لذایذ نفسانی وادارشان کن. «وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ» با لشکریان سواره‌ات، لشکریان پیاده‌ات، اطراف این‌ها را بگیر، این‌ها را اسیرشان کن. «وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» هم در پول و مالشان برو شریک بشو. این مال حلال، این کاسبی حلالی که این آقا دارد، یک مقدار نجاست حرام را در این مال بریز، شریک بشو. همه مال نجس بشود. در اولاد هم باهاشان شریک بشو؛ در این ذات بچه‌شان، در این تربیت بچه‌شان، در این به وجود آوردن و بزرگ کردن بچه‌شان برو شریک بشو. یک عنصر شیطانی ناپاک این‌ها درست کنند، از درون این خانواده یک ناپاکی دربیاید که تا وجود دارد، قدرت دارد، در استخدام من شیطان برایم کار کند و خدمت کند. در اولاد هم باهاشان شریک شو.

«وَعِدْهُمْ» بهشان وعده دروغ بده. «وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا» وعده شیطان فریب است. از دروغ به‌شان وعده بده، با دروغ فریبشان بده، با وعده و پیمان دروغ گولشان بزن، این‌ها همه چیزشان را به تو بدهند و بر همه چیزشان مسلط بشوی. گول بخورند، فریفته بشوند. این هم راه پنجم سلطه شیطان.

نفوذ شیطان با ابزار وسوسه

و در آیهٔ ششم، ذات مقدس پروردگار

می‌فرماید: در انسان‌ها با وسوسه نفوذ کن: «مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ»

وسوسه یعنی نفوذ شیطان؛ نفوذ کن در مغزشان، نفوذ کن در اراده‌شان، در سیاست‌گذاری‌شان، در تصمیم‌گیری‌شان برو نفوذ کن. این‌ها را با تصمیم خودشان بدبخت، این‌ها را با اراده خودشان بیچاره‌شان کن. این هم راه ششم. شش جور شیطان به سراغ من انسان می‌آید تا من از خدا جدا بشوم و از خدا ببرم.

خوب، اینجا جای یک سؤال هست و آن اینکه: خدایا! چرا چنین موجودی را بر من مسلط کردی؟! خدایا! من که می‌خواهم بنده تو باشم، من که می‌خواهم عاشق تو باشم، من که می‌خواهم خاطرخواه و دلداده تو باشم، چرا یک همچنین عفریتی را بر من مسلط کردی، این شش حرکت را با من انجام بدهد؟

خدا مسلط نکرد، این کار خدا نیست. خدا مخلوقات جورواجور دارد. خدا مار آفریده، آدم را می‌گزد؛ بلبل آفریده، برایت آواز می‌خواند، برایت آواز می‌خواند. خلقت خداست، شیطان را هم آفریده. خدا مسلط نکرده؛ تو خودت او را بر خودت مسلط کردی.

خدا هم در قرآن گفته: «إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»[5] با همه شش کاری که می‌تواند بکند، در عین حال قدرت شیطان در کید، در توطئه، در مکر، در فریب خیلی ضعیف است. حریف تو آدم نمی‌شود، اما تو خودت لبخند نزدی! تو خودت او را خواستی! تو خودت او را دعوت کردی! تا تو لبخند نزدی، او بر تو مسلط نشد! خودت لبخند زدی، آمد بر تو مسلط شد.

خوب، این لبخند شیطان چیست؟ لبخند به شیطان زمانی است که من دست به یک گناهی می‌زنم که خودم قبلاً از این گناه وحشت داشتم. کار شیطان این است که از همین گناهی که تو می‌ترسی و به هیچ وجه حاضر نیستی آن را انجام بدهی و وحشت هم می‌کنی که یک وقتی مرتکب این گناه بشوی، همین گناه را یک جوری جلوی پای تو می‌آورد که تو استقبال می‌کنی. این می‌شود لبخند به شیطان.

اینجا خودت لبخند زدی، شیطان آمد. وقتی آمد، با این شش خصوصیت می‌آید؛ هم در تو نفوذ می‌کند، هم بر تو مسلط می‌شود، هم کمینت را می‌گیرد، هم با تمام امکانات و لشکرش به سراغت می‌آید، همه بلاها را به سرت می‌آورد، با یک لبخند.

پس این من هستم که با یک لبخند شیطان را بر خودم مسلط کردم؛ خدا او را بر من مسلط نکرده. تو مخلوقات، شیطان را هم آفریده، اما من آمدم این موجود ناپاک، رذل، بدترین موجودات الهی را دستش را گرفتم، آوردم توی زندگی خودم، او را توی زندگی‌ام با خودم شریکش کردم. این کاری است که من انجام دادم.

.....

۱. سوره مجادله، آیه ۱۹.
۲.سوره فرقان، آیه ۲۷.
۳. سوره فرقان، آیه ۲۸.
۴. سوره زخرف،آیه ۳۶
۵. سوره نساء، آیه ۷۶.

* سکندری خوردن: لغزیدن، سرنگون شدن

بسم الله الرحمن الرحیم

نمازجمعهٔ مشهد مقدس

همهٔ شما برادران و خواهران خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.

امروز در نماز جمعه، خوشبختانه به دیدار جمال نورانی جوان عزیز قهرمانی که سرمایه افتخار این سرزمین و این نسل است، نائل شدیم و به حمدالله چشممان به زیارت فرزند دلاور خراسان در نماز جمعه روشن شد. وجود این جوانان دلاور و غیور و رادمردی که در این فضای امروز جهانی و بین‌المللی، در کنار تمام شهامت‌ها و شجاعت‌های رزمندگان قهرمان ما، قهرمانی ملت را



در شکل دیگری به دنیا نشان می‌دهند و نمایش می‌دهند، سرمایهٔ افتخار این انقلاب و سرمایه افتخار این نظام مقدس اسلامی است.

ان‌شاءالله خداوند متعال این عزیز بزرگوار را که مایهٔ افتخار سرزمین خراسان شده، از این خانواده و این نسل ارزشمند، ذخیرهٔ اسلام قرار بدهد و ان‌شاءالله این قهرمانی‌ها در خدمت اعتلای اسلام و مسلمین در دنیای امروز، جلوه‌گری لازم را پیدا کند و ذات مقدس پروردگار با همهٔ عنایاتش، این عزیزان ما را که سرمایه‌ای برای مباهات اجتماعی و بین‌المللی ما هستند، ان‌شاءالله حفظ بفرماید.

شکست آمریکا در یوم الله ۱۳ آبان

خوب، روز ۱۳ آبان، یک روزی است که در سال ۵۸، روز ۱۳ آبان باعث سقوط رئیس‌جمهور آمریکا، کارتر ملعون، و حزب دموکرات شد و در سال ۱۴۰۵، ۱۳ آبان روز نابودی و نکبت‌زدگی رئیس‌جمهور امروز آمریکا و حزب جمهوری‌خواه شد؛ یعنی دو بال شیطانی آمریکا، دموکرات و جمهوری‌خواه، هر کدام در یک ۱۳ آبان، یکی در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و یکی در ۱۳ آبان ۱۴۰۵، در هم شکست و ان‌شاءالله فرو ریخت.

از همان روز، حزب دموکرات در عرصه سیاست آمریکا به‌عنوان یک حزب زبون و ضعیف و نامحبوب جلوه کرد، کمااینکه از امروز به بعد هم حزب جمهوری‌خواه در جامعه آمریکایی به‌عنوان یک جریان نکبت‌زده و

فسادبرانگیز جلوه‌گر خواهد شد و این نبود جز با قهرمانی و دلاوری شما مردم.

خب، آنچه که برای ما قابل توجه است، این است که در سال ۱۳۵۸، به تعبیر امام بزرگوار ما، انقلاب دوم با تسخیر لانهٔ جاسوسی و گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی شروع شد. در آن سال، به خاطر اینکه دولت موقت یک دولت ضعیفی بود و پا به پای امام در عرصه‌های استکبارستیزی نمی‌توانست جلو بیاید، ناگهان در مقابل این حرکت عظیم و در مقابل این برنامه‌ای که دنیا را آن روز متحیر کرده بود، این‌ها به زانو درآمدند و استعفا کردند.

از همان روز، حزب دموکرات در عرصه سیاست آمریکا به‌عنوان یک حزب زبون و ضعیف و نامحبوب جلوه کرد، کمااینکه از امروز به بعد هم حزب جمهوری‌خواه در جامعه آمریکایی به‌عنوان یک جریان نکبت‌زده و فسادبرانگیز جلوه‌گر خواهد شد و این نبود جز با قهرمانی و دلاوری شما مردم.

امیدواریم امروز مردم ما به این بلا دچار نشوند و عزیزان مسئول اجرایی ما، پا به پای رهبر قهرمان، مرد و مردانه در عرصهٔ قهرمانی استکبارستیزی و آمریکازدایی با کمال قدرت بایستند و مقاومت کنند.

این یک نقطهٔ منفی بود در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ و یک نقطهٔ اشتباه هم در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ در این کشور اتفاق افتاد: مسئله گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی و تسخیر لانه جاسوسی آن روز که با همت دانشجویان پیرو خط امام، جوانان قهرمان ما، با رهبری و رهنمود پیامبرگونه امام عزیز امت، آن روز اتفاق افتاد، برگ برنده‌ای برای ایران و ایرانی بود. عین تنگهٔ هرمزی که امروز آن را مانع شدند، چطور برگ برنده برای پیروزی ما است، آن روز هم گروگان‌گیری جاسوسان آمریکایی برای ما برگ برنده بود.

منتها یک اشتباهی رخ داد و اشتباه، یک ساده‌لوحی خاصی بود که بعضی از مسئولین آن زمان انجام دادند. در زمانی که لانهٔ جاسوسی آمریکا در تسخیر جوانان ارزشمند ما بود، انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا به وجود آمد. اینجا یک عده با خیال باطل گفتند: کارتر دموکرات است، اگر ما کاری کنیم که خواستهٔ این‌ها عملی بشود و این‌ها داخل آمریکا بین مردم یک آبرویی پیدا کنند، در این انتخابات دموکرات‌ها برنده خواهند شد و دموکرات‌ها عداوت و دشمنی‌شان با ایران کمتر از جمهوری‌خواه‌هاست، به نفع خودمان قدم برداشتیم.

این اشتباه باعث شد که این برگ برنده را ما به‌سادگی و مجانی و رایگان از دست دادیم. گروگان‌های آمریکایی را آزاد کردند، بعد هم یک قراردادی بستند که با این قرارداد شیطانی، در یک مذاکرهٔ فوق‌العاده فریبنده، همهٔ هستی ما را گرفتند، اموال ما را بلوکه کردند و ما را به یک تعهدات نابجایی ملتزم گرداندند؛ درحالی‌که آن‌ها برای کشور جاسوسی و جنایت کرده بودند و در همان نزدیکی هم در جریان طبس، آمریکا شکست

فاحش خورده بود و آبروی آمریکا در دنیا رفته بود.

با وجود این، ساده‌لوحی یک عده از مسئولین باعث شد این برگ برنده را ما آن روز از دست دادیم، به خاطر خوش‌بینی به حزب دموکرات در مقابل حزب جمهوری‌خواه.

احتمال این اشتباه را ما الان می‌دهیم؛ یعنی این زمزمه‌هایی که بین مردم می‌شود، پیروزی را فقط به این می‌دانند که حزب جمهوری‌خواه شکست خورد و حزب دموکرات روی کار آمد.

سگ زرد برادر شغال است

برادران و خواهران! این مثل قدیمی ما ایرانی‌ها، «سگ زرد برادر شغال»، این یک مثل قطعی است که مصداق قطعی‌اش امروز آمریکا و سیاسیون آمریکا و رؤسای جمهور آمریکا هستند. فرق نمی‌کند؛ نظام سلطه آمریکا مسئله است، نه این حزب و آن حزب.

در این نظام سلطه آمریکا، حزب دموکرات و حزب جمهوری‌خواه دو جریان شیطانی، نامرد، نابکاری هستند که هر کدام با یک شکلی نسبت به ما، به‌عنوان بندگان خدا و به‌عنوان پاسداران خط حق، مقابله و مبارزه می‌کنند. ما با یک همچنین جریانی روبه‌رو هستیم: نظام سلطه آمریکا.

نظام سلطه آمریکا دیگر حزب دموکرات و جمهوری‌خواه ندارد؛ هر دو شیطانند، هر دو ناپاکند. حزب جمهوری‌خواه با بی‌رحمی، با نابکاری، با خشونت برخورد می‌کند، دشمنی خودش را نشان می‌دهد. حزب دموکرات با شیطنت و نابکاری و نامردی و فریبکاری برخورد می‌کند و دشمنی خودش را محقق می‌کند.

مگر این برجام لعنتی که این‌طور با ما کردند، مگر مال حزب دموکرات نبود؟ این‌ها آمدند با شیطنت، مذاکراتی را راه انداختند، قصه را به جریان برجام کشاندند، مسئله ماشه را در آن جا دادند که هر روزی بتوانند به ما حمله کنند، تمام موجودی ما را در امکانات هسته‌ای با دست خود ما از بین بردند. آب سنگین اراک که یکی از فرازهای باعظمت فناوری هسته‌ای ما بود، با دست خود ما داخل این آب سنگین اراک بتن ریختند، بندش آوردند. همه کارها را با شیطنت، با دست ما انجام دادند. بعد هم اول کسی که تمام این تعهدات را زیر پا گذاشت، همین حزب دموکرات بود.

این اشتباه باعث شد که این برگ برنده را ما به‌سادگی و مجانی و رایگان از دست دادیم. گروگان‌های آمریکایی را آزاد کردند، بعد هم یک قراردادی بستند که با این قرارداد شیطانی، در یک مذاکرهٔ فوق‌العاده فریبنده، همهٔ هستی ما را گرفتند، اموال ما را بلوکه کردند و ما را به یک تعهدات نابجایی ملتزم گرداندند؛ درحالی‌که آن‌ها برای کشور جاسوسی و جنایت کرده بودند

این اشتباهی که در سال ۱۳۵۸ بعضی عزیزان ما انجام دادند، این اشتباه ان‌شاءالله تکرار نشود. مردم ما اشتباه نکنند؛ با همان قدرت، با همان مقاومت، با همان عزت بایستند، مرد و مردانه در مقابل این شیطان کبیر.

امام همه را گفت شیطان بزرگ؛ نه حزب جمهوری‌خواه را. آمریکا را گفت شیطان بزرگ. در مقابل شیطان بزرگی که با این عناوین شش‌گانه‌ای که در خطبه اول عرض کردم، که همه خاصیت‌ها را آمریکای ناپاک دارد، با این شیطان

بزرگ بایستند، مبارزه کنند، بجنگند تا او را ریشه‌کنش کنند.

آنچه مسلم است، در برابر همه هزینه‌هایی که ما دادیم، که سنگین‌ترین هزینه‌اش از دست دادن آقایمان بود، شهادت امام عزیزمان بود که از همه هزینه‌ها برای ما سنگین‌تر بود، ولی تا به امروز این ماییم که در دنیا به‌عنوان پیروز شناخته شدیم. همه ما را پیروز می‌شناسند. حتی خود رئیس‌جمهور آمریکا هم اقرار می‌کند که ما پیروزیم و ما پیش بردیم؛ او هم اقرار می‌کند که شکست خورده دست ما است و همه دنیا ما را پیشرفته می‌دانند، دشمن ما را شکست‌خورده می‌بینند.



این شکستی که به اقرار تمام جهانیان نصیب دشمن ما شده و این پیروزی که نصیب ما شده، به اعتراف همه مردم، عاملش چیست؟ چه باعثش است؟ باعثش یک چیز است و او خداست.

این جمله‌ای که مقام معظم رهبری فرمودند: بر اساس محاسبات الهی، ایران اول قدرت جهان است. خوب، ایران قدرت اول جهان است؛ این را می‌فهمید، معنایش را؟ اما اینکه فرمودند بر اساس محاسبات الهی، ایران اولین قدرت جهان است، این اساس محاسبات الهی یعنی چه؟

یعنی علی‌ای‌حال، امروز قدرت اول در هستی مال خداست. در همه جریانات هم، جریانی که متصل به خدا است، او جریان ما است؛ پس در روی کره زمین، اول قدرت جهان ما هستیم، چون ما وابسته به خداییم. اما عامل اصلی خداست.

ذات مقدس پروردگار همه منویات خودش را با اسباب و ابزار در عرصه خلقت ظاهر می‌کند. فرموده: «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابِهَا»[1]

این را خود خدا فرموده که با اسباب، منویات الهی اجراشدنی است. ابزار اجرای این منویات الهی که ما بشویم اول قدرت و ما بشویم پیروزمند، یک مثلث است.

این مثلث، جزء اولش رهبری‌های داهیانه و خردمندانه و اندیشمندانه رهبر عظیم عزیز انقلاب مقدس اسلامی ماست. او باعث شده؛ یعنی او ابزار اول از عنایت خدا برای پیروزی ما بود.

و شما این هفت، هشت ماه، برادران و خواهران! اهل فکر هستید، رشید سیاسی هستید، واقعاً فکر کنید چند مورد پیش آمد که مسیر طرف دیگری داشت می‌رفت و فقط رهبری آمدند جلو و جلویش را گرفتند و مسیر را به این طرف هدایت کردند. بنشینید خودتان حساب کنید که اگر آن رهبری‌ها نبود، آن مراقبت‌ها نبود و آن هشدارها و هوشیاری‌ها و هشدارسازی‌ها نبود، اینجایی که ما الان هستیم، اینجا نبودیم. عوض شده بود.

پس جزء اولش رهبری رهبر عزیز، بزرگوار و اندیشمند ماست.

جزء دوم، قهرمانی رزمندگان ما و اخلاص رزمندگان ما؛ این‌هایی که در صحنه و جبهه مقابل دشمن ایستادند. هم مخلص‌اند، همه چیز را برای خدا می‌خواهند، هم خودشان آماده فدایی شدن در راه خدا و آرزومند شهادتند و هم شهامت و قدرت مقابله را دارند و دارند می‌جنگند.

این حالت در رزمندگان ما یک ذخیره ارزشمندی است؛ یعنی وقتی بنا شد آدم اول از خودش گذشت و گفت: همه چیزم سرمایه در راه خدا.

در جنگ بدر، مسلمان که صف کشیدند، پیغمبر یک عبارت کوتاهی خواندند، فرمودند: هر کس در این جنگ شهید بشود، به بهشت خواهد رفت. یک نفری جلو صف داشت خرما می‌خورد. وقتی پیغمبر این جمله را گفتند، حتی خرمای نیم‌جویده را فرو نداد، گفت: اگر بهشت رفتن به این آسانی است، چرا من خرما می‌خورم؟ خرما را از دهنش انداخت، شمشیر به دست گرفت، حمله کرد به دشمن. هنوز جنگ شروع نشده بود، حمله کرد به دشمن. این یک نفر ۱۰۰ نفر از دشمن را کشت تا شهید شد.

این حالت را امروز رزمندگان ما دارند و این وضع را دارند که دشمن در مقابل این‌ها مستأصل است و دشمن هر روز یک تصمیم می‌گیرد، یک تهدید می‌کند، پای اجرا که می‌آید، می‌بیند نخیر، با این ضربه‌شصت هیچ کار نمی‌تواند بکند.

و عامل سوم، یعنی ابزار سوم اراده ذات مقدس حق، شما مردم هستید؛ ایستادگی شما مردم، مقاومت شما مردم، اجتماعات میدانی شما مردم، این مردانگی و شهامتی که شما نشان دادید در راه دفاع از خدا و دفاع از دین خدا.

این شده ابزار سوم. با این سه ابزار، اراده حق باعث شد ما پیروز باشیم و دشمن ما شکست‌خورده، و این محقق شد.

.....

۱. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

